

# بررسی تأثیر میزان دینداری در کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه جوانان (بزهکار و غیر بزهکار) شهر بابل

دکتر علیرضا محسنی تبریزی<sup>۱</sup>

مهدی نوروزی گودرزی<sup>۲</sup>

## چکیده:

این تحقیق، در نظر دارد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که به چه میزان دینداری در کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه جوانان مؤثر است. با توجه سؤال تحقیق در بخش مبانی نظری از نظریات متفکران جامعه‌شناسی متناسب با دینداری از جمله نظریات دورکیم، وبر، گلاک و استارک و همچنین نظریات متناسب بزهکاری از جمله نظریات مرتون، هیرشی، نظریه یادگیری شامل نظریه همنشینی ساترلند، نظریه جوانان ماتزا و ... بهره گرفته شده است. افراد نمونه در این پژوهش بر اساس دو گروه افراد عادی و جوانان مجرم در زندان مورد بررسی واقع شدند و هریک از افراد دو گروه در هر مرحله تحقیق باهم مقایسه شده‌اند. از مهمترین فرضیات این تحقیق شامل تأثیر رابطه چهار بُعد دینداری: بعد اعتقادی، بُعد پیامدی، بُعد مناسکی، بُعد تجربی در کاهش گرایش افراد به ارتکاب رفتار مجرمانه می‌باشد که با توجه به سؤالات تحقیق طراحی شده است. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش پیمایشی می‌باشد. از مشاهدات تجربی به دست آمده در گروه جوانان غیر مجرم متغیر مناسکی در چارچوب کاهش رفتار مجرمانه بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد و بیشترین میزان واریانس را تبیین می‌کند، تنها این بُعد می‌باشد که بر متغیر وابسته یعنی کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه تأثیر مستقیم داشته است و بقیه متغیرهای تحقیق یعنی ابعاد اعتقادی و پیامدی و تجربی تأثیر غیرمستقیمی بر میزان ارتکاب رفتار مجرمانه داشته‌اند. در بین افراد مجرم نیز مشاهدات تجربی نشان دهنده آن است که دو متغیر مستقل پیامد دینی و مناسک دینی اثر مستقیم بر متغیر وابسته تحقیق یعنی رفتار مجرمانه دارند و بقیه متغیرها یعنی بُعد اعتقادی و تجربی دینداری تأثیر غیرمستقیمی بر رفتار مجرمانه دارند.

**کلید واژه:** دینداری، رفتار مجرمانه، افراد عادی، افراد زندانی، ابعاد دینداری.

۱- دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی بابل

#### مقدمه:

جامعه بشری در طول تاریخ شاهد نقض قواعد و مقررات بوده و آسیب‌های فراوانی را متحمل شده و شاهد فرورفتگی بسیاری از افراد و گروه‌های اجتماعی در گرداب انحرافات انسانی بوده است. در عین حال یکی از مهمترین تلاش‌هایی که در این عرصه صورت گرفته، تحقیق و تفحص در شناخت کجروی‌ها، چگونگی بروز و ظهور آنها و تهیه سازوکار مناسب برای پیشگیری و درمان آن است. در این میان مصلحان و دل‌سپردگان سلامت و سامان جامعه و در رأس آنها انبیاء و رهبران الهی برای نجات و رهایی بشر، باتوجه به مبدء و معاد انسان و هم ارزش‌ها و هنجارها را نشان دادند و هم انواع ناهنجاری‌ها را بیان نموده و عوامل و زمینه‌ها و شیوه‌های درمان و پیشگیری انحرافات را تبیین کردند.

جامعه‌شناسی از آغازش در قرن نوزدهم، توجه بسیاری را به پدیده انحراف و تحول در رفتار انسان معطوف داشته است. در این میان جوانان، به دلیل این‌که به عنوان یک سوژه و عامل سعی می‌کنند خود را بشناسند و درنظام تعاملی جامعه به معرف‌ها دست یابند تا این‌که بتوانند از لحاظ معرفتی خودشان را معرفی کنند، در این مسیر برای این‌که خود را بشناسند بعضاً دچار آسیب سخت می‌شوند. برحسب نگرش‌های مختلف درخصوص بزهکاری جوانان ملاحظه می‌گردد که آنها با انجام فعالیت‌های اجتماعی مختلف بیشتر به دنبال معرف اجتماعی خود می‌باشند و لذا در این راستا خود را با بزهکاری مواجه می‌بینند. طبق تحقیقات انجام گرفته اگر این معرف‌ها با دینداری افراد رابطه داشته و از میزان رفتار مجرمانه افراد کاسته خواهد شد. (Russell K. VanVleet, 1999:7)

#### بیان مسأله:

جامعه‌ی ایران از معدود جوامعی است که دین در آن حضور فعال و پرمسئولیتی دارد. همین امر آن را در موقعیت یک آزمون بزرگ و در برابر یک تجربه‌ی تاریخی سرنوشت‌ساز قرار داده است. به طوری که توفیق یا شکست آن می‌تواند تأثیرات عمیق و ماندگاری بر این جامعه، برای این دین و حتی بر مسیر تحولات دنیای آینده برجای گذارد. معذک این پدیده‌ی شگرف کمتر در حدّ و اندازه‌های واقعی خود ظاهر یا دیده شده است

و طبعاً کمتر مجال تبدیل شدن به موضوع مطالعات دقیق را یافته است. به نظر می‌رسد که این غفلت یا قصور حتی در داخل، بیش از خارج از کشور بوده است. هم‌اینک این عقب‌افتادگی در حوزه مطالعات دین‌پژوهی را در ایران به شکل جدی می‌توان لمس کرد یعنی به‌رغم حضور جدی دین در حیات اجتماعی جامعه‌ی ما، هنوز گام‌های مهمی در این حوزه برداشته نشده است. در میان اندک ادبیات گردآمده در این باب که بخش عمده‌ی آن نیز ترجمه‌ای است، سهم مطالعات جامعه‌شناسی دین به مراتب از دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی کمتر است.

اما باین‌حال در حیطه دین‌شناسی و دفاع از دین این نکته در نظر گرفته شده که انسان‌های امروزی برخلاف گذشتگان بیشتر از آن‌که در جستجوی حقایق نظری یا صدق و کذب دعاوی دینی باشند به دنبال حقایق عملی (کارکرد) آنها هستند و آنچه مردم را به سوی دین و دینداری سوق می‌دهد، نه براهین عقلانی که ثمرات عملی دینداری در دنیاست. (فناپی، ۱۳۷۵، ۹۸)

از طرف دیگر در دنیای پیچیده کنونی، موضوع جرم و مجرمان و نحوه برخورد با آنان به مسأله‌ای بغرنج تبدیل شده است. انواع بزهکاری و انحرافات اجتماعی به‌عنوان یک معضل اجتماعی مورد توجه صاحب نظران علوم اجتماعی می‌باشد و در این میان جوانان جامعه به دلیل این‌که بیش از قشرهای دیگر در معرض انواع انحرافات اجتماعی قرار دارند، می‌توانند در بحث مسائل اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشند.

انسان‌ها در فراز و نشیب‌های تاریخ همیشه از دردها و آسیب‌های اجتماعی بسیار رنج برده‌اند و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه‌های آنها بوده‌اند تا راه‌ها و شیوه‌هایی را برای رهایی از آنها بیابند.

نقش ضمانت‌های اجرایی غیراین جهانی در کنترل رفتار، از جمله مباحث بحث برانگیز در حوزه علوم اجتماعی بوده و هست. این نیز در حالی است که به تصریح برخی از محققان، مطالعه علمی آثار متغیرهای دینی در حوزه‌های متفاوت روانی و اجتماعی و به‌ویژه در زمینه بررسی آثار دین بر کنترل رفتار، در قرن بیستم مورد غفلتی عامدانه و همگانی واقع شده است. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ۶۷۴)

به‌طور کلی سؤالاتی که این تحقیق سعی در پاسخگویی آن دارد از جمله می‌توان به‌موارد

ذیل اشاره کرد:

۱- دین در زندگی روزمره جوانان چه نقشی دارد؟ ۲ - انجام اعمال فرایض دینی در بین جوانان مجرم و غیرمجرم چگونه است؟ ۳- جوانان غیرمجرم و مجرم در نگرش به مسائل دینی فرقی باهم دارند یا نه؟ ۴- دینداری به طورکلی در عدم ارتکاب به جرم تأثیرگذار می‌باشد یا نه؟

### مبانی نظری تحقیق

بسیاری از کسانی که برای نخستین بار شروع به مطالعه جامعه‌شناسی می‌کنند از گوناگونی دیدگاه‌هایی که با آنها روبرو هستند، متعجب می‌شوند و این‌گونه به نظر می‌رسد که جامعه‌شناسان دیدگاه نظری مورد توافقی نداشته باشند و این گوناگونی به ماهیت خود جامعه‌شناسی بستگی دارد. جامعه‌شناسی درباره زندگی و رفتار ما می‌باشد و مطالعه خودمان پیچیده‌ترین و دشوارترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم. مجادلات نظری همواره تا اندازه‌ای به تبیین و تفسیر بستگی دارند. در جامعه‌شناسی مشکلات ذاتی تحت مطالعه قرار دادن رفتار خود ما این مسأله را پیچیده‌تر می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۴)

به‌طورکلی نظریه‌های جامعه‌شناختی از دو جهت سودمند هستند: نخست، این نظریه‌ها به درستی بر پیوستگی میان رفتار تبهکارانه و آبرومندانه تأکید می‌ورزند، زمینه‌هایی که در آن انواع خاص فعالیت تبهکارانه و قانوناً قابل مجازات در نظر گرفته می‌شود، بسیار متغیرند. دوم، این‌که همه براین عقیده‌اند که عنصر «زمینه‌ای» نیرومندی در وقوع فعالیت‌های تبهکارانه وجود دارد. تبهکاری می‌تواند متأثر از یادگیری اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی که افراد خود را در آن می‌یابند باشد. (گیدتر، ۱۳۷۶، ۱۴۶)

در مورد دینداری، امیل دورکیم یکی از مهمترین مراجع مطالعه جامعه‌شناسی دینی است. مشهورترین و مورد استنادترین نظریه دورکیم در این حوزه تمایز میان امرقدوسی<sup>۱</sup> و امردنیوی<sup>۲</sup> به‌عنوان فصل مشترک همه ادیان است. اما در این حوزه آنچه کمتر شناخته شده است تعریف دین نه تنها به منزله یک نظام اعتقادی بلکه به یک منبع حرکت‌زای اجتماعی و آرمان‌پردازی

1.Sacred  
2.Profane

جمعی است منبعی که از پویایی درونی جوامع انسانی تغذیه می‌شود. (شریعتی، ۱۳۸۳، ۲۰۲) به اعتقاد دورکیم امور مقدس آنهایی هستند که ممنوعیت‌ها آنها را از امور دیگر جدا کرده و از آنها حراست می‌کنند و امور غیرمقدس آنهایی هستند که این ممنوعیت بر آنها اعمال می‌شود و باید، در یک فاصله معین، آنها را از اولی حفظ کند. اعتقادات دینی نمودهایی هستند که ماهیت امور مقدس و روابطی را که آنها در ارتباط بایکدیگر یا حتی با امور غیرمقدس دارند، بازگو می‌کنند و بالاخره، آداب و مراسم مذهبی قواعد رفتاری‌اند که تعیین می‌کنند چگونه یک انسان می‌تواند در حضور اشیاء و امور مقدس رفتار کند. (توسلی، ۱۳۸۰، ۲۳۸)

پدید روزانه ← جدائی → قلمرو مقدس (امور خدایی)

دورکیم کارکرد نظم را به‌عنوان وابستگی متقابل اعضای یک نظام برای تحکیم ارزش‌های آرمانی و باورهای بلاشک تعریف می‌کند. می‌توان کاربرد این معنا را در اشکال نهادی دین مشاهده نمود. (تنهایی، ۱۳۸۲، ۹۲)

او مشتاق بود تا به یک جامعه ازهم گسیخته وحدت اخلاقی بخشد، از انسان‌ها می‌خواست به وسیله یک اخلاق مدنی نوین وحدت یابند، اخلاقی که مبتنی بر این شناخت بود که ما هر آنچه هستیم از جامعه داریم.

نگاه وبر به دین، برخلاف دیگر جامعه‌شناسان، بر هیچ طرح تکاملی در قالب مراحل خاصی مبتنی نیست و اصولاً این نوع نگرش را خود قبول ندارد و از سوی دیگر جامعه‌شناسی دین او بیشتر بیانگر یک جنبه مده از اخلاق دینی یعنی ارتباط اخلاق دینی با نظم اقتصادی است. جامعه‌شناسی دین از نظر ماکس وبر عبارت است از: علمی که می‌خواهد از طریق تفهم تفسیری رفتار دینی که نوعی رفتار اجتماعی است به بیان علل و معلول‌های آن دست یابد. جامعه‌شناسی دین رفتار دینی را به‌عنوان نوعی رفتار اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش جامعه‌شناسی دین نیز از نظر وبر، روش تفهمی است. در نگاه وبر، فهم رفتار دینی تنها از طریق فهم تجارب در دین، عقاید و اهداف افراد و به عبارت کوتاه‌تر، تنها از طریق فهم معنای رفتار دین امکان‌پذیر است. در جامعه‌شناسی دین، اساساً جوهره دین یعنی: اصول و احکام آن و یا حقانیت و عدم حقانیت آن مورد بحث قرار نمی‌گیرد، مگر در مواردی که برای فهم و درک معنای رفتار دینی مفید باشد. جامعه‌شناسی دین رفتار متدینان را به‌عنوان نوعی رفتار اجتماعی،

که دارای معانی و کارکرد اجتماعی از نوع دینی است، مطالعه می‌کند. (الیاده، ۱۳۷۵، ۳۲۵)

وبر هنگامی که به پژوهش درباره دین می‌پردازد، می‌خواهد بفهمد که چه رابطه‌ای میان تصورات دینی با پذیرش تکلیف‌ها و دیگر جنبه‌های سلوک انسانی و به‌ویژه با جنبه‌های اقتصادی سلوک انسانی در جامعه وجود دارد. (موقن، ۱۳۷۹، ۳۰)

در دوره معاصر نیز طی دو دهه پنجاه و شصت میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا، گلاک بحث ابعاد التزام دینی را مطرح کرد. ولی این مبحث را در سال ۱۹۶۲ گسترش داد و با همکاری استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط آن پرداخت.

به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی به‌رغم آن‌که در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، دارای حوزه‌هایی یکی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها را می‌توان به مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، که عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی. (سراج زاده، ۱۳۸۳، ۱۶۷-۱۶۹) (لازم به یادآوری است که الگوی گلاک و استارک به نظر علامه محمدتقی جعفری بسیار جالب آمده بود و آن‌را یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی می‌داند که در زمینه دینداری انجام شده است). (ویلهم، ۱۳۷۷، ۸۱)

سنجه دینداری مسلمانان	سنجه دینداری گلاک و استارک
اصول دین = اعتقاد به خداوند، نبوت حضرت محمد(ص) و معجزه ایشان قرآن، اعتقاد به معاد و روز جزا، همچنین نماز روزانه و روزه داری در ماه رمضان، جهاد علیه دشمنان فعال اسلام انجام حج واجب، ادای خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر راهم می توان بخشی از باورهای اسلامی دانست. (اعتقاد به دوازده امام)	<b>بعد اعتقادی (Ideological):</b> باورهایی را در بر می گیرد که انتظار می رود پیروان آن دین بدانها اعتقاد داشته باشند.
نمازهای روزانه و روزه گرفتن در ماه رمضان، اعمال واجب برای مسلمانان هستند. خواندن قرآن، شرکت در نماز جماعت و جمعه، شرکت در مراسم جشن و عزا در مسجد و سایر اماکن مذهبی و دینی.	<b>بعد مناسکی (Ritualistic):</b> یا عمل دینی، اعمال دینی شخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین های مقدس خاص، روزه گرفتن و... را که انتظار می رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند، در بر می گیرد.
عواطف و احساساتی مثل ترس از خدا، توبه و تقرب به خدا، پیامبر، ائمه و اولیا را تجربه کنند. (مسلمانان)	<b>بعد تجربی (Experimental):</b> یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات (Perceptions) و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خداوند که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می شود.
آشنایی با باورهای اصلی، اسلام و قبول آنها با شناخت و آگاهی کامل و نه بر اساس تقلید ناآگاهانه، دانستن روش های صحیح عبادات، آشنایی با تاریخ اسلام و قادر به خواندن قرآن باشد.	<b>بعد فکری (Intellectual):</b> یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و مکتب مقدس را که انتظار می رود پیروان آنها را بدانند، شامل می شود.
بر طبق دین اسلام، استانداردهای رفتاری فراوانی است که یک مسلمان باید در زندگی روزمره جدا آنها را رعایت کند. مانند حجاب یا پوشیدن بخش های از بدن، پرهیز از مصرف خوراکی ها و آشامیدنی های خاص مثل الکل و گوشت خوک، و پیروی از قوانین اسلام در زندگی روزمره. (نگرش مسلمانان در مورد این فرامین بعد پیامدی دینداری شان می توان دانست.	<b>بعد پیامدی (Consequential):</b> یا آثار دینی شامل پیامدهای باور عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است.

### سنجه دینداری از نظر گلاک و استارک و مسلمانان

در زمینه ارتباط و نقش دینداری در کاهش جرم، دورکیم از جمله نظریه پردازان قرن نوزدهم

است که به تحلیل کجرفتاری از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته است. او تحت تأثیر پیشینیان خود کتله، گاری، کت اولین فردی است که به آرزوهای کنت تحقق می‌بخشد و از روش اثباتی برای تبیین پدیده کجرفتاری استفاده می‌کند. (ممتاز، ۱۳۸۱، ۵۱)

در تعریف دورکهایم، آنومی اشاره به نوعی بی‌سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی، بی‌هنجاری در نظام جمعی دارد. او بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجتماع درباره انحراف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به‌عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است بکار می‌برد.

در حقیقت آنها هنجارهایی را شناخته و برپایه آن فرض می‌کنند که دیگران هم آنان را مراعات خواهند کرد. عدول از چنین قواعد و عدم متابعت از چنین هنجارهایی را دورکیم «ناهنجاری» می‌نامد. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۵۴)

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی تبیین اندیشمندان‌ای است که منشأ کجروی را به ساخت اجتماعی و فرهنگ مربوط می‌سازد. این دیدگاه در تبیین کجروی هم گروهی و هم فردی می‌نگرد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ۲۸۱)

مرتون تأکید دارد که مفهوم آنومی خود را از مفهوم «نظم اخلاقی» در دیدگاه دورکیم وام گرفته و آن را در خصوص وضعیت‌هایی بکار برده است که در آن ساختار اجتماعی، آرزوهای متعارفی مانند ثروت و مالکیت اموال را بر می‌انگیزد و در همان حال شیوه‌های مقبول دستیابی بدان را محدود می‌سازد. او بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در سیتزند، بر رفتار افراد وارد می‌آید.

در وضعیت آنومی، حالت مبهمی در اوضاع و احوال ارتباط فرد با جامعه است که در آن هنجارها یا از بین رفته یا تضعیف می‌شوند یا باهم تضاد دارند. وضعیتی که ارزش‌ها و اهداف مشترک را از اعضای جامعه می‌گیرد و درعین حال سبب می‌شود که آنان دیگر رهنمودهای رفتاری و خطوط راهنمای اخلاقی و روشنی برای خویش نیابند. (رابرتسون، ۱۳۷۴، ۱۷۲)

ازسوی دیگر نظریه‌های کنترل اجتماعی فرض را بر این می‌نهند که رفتار افراد، رفتاری ضداجتماعی خواهد بود، غیر از این که افرادی آنها را در ترک آن رفتار راهنمایی نمایند. براساس این دیدگاه، افرادی که هیچ‌گاه نتوانسته‌اند رابطه‌ای با افرادی که در زمینه کنترل رفتار آنها نقش



ایفاء می‌کنند، برقرار سازند، هیچ‌گاه کنترل لازم را برای مهار رفتارهای ضد اجتماعی خود ندارند. (رابرتسون، ۱۳۷۷، ۱۷۵)

یعنی این‌که افراد به دلیل ضعف نیروهای بازدارنده ارتکاب به جرم (از جمله دین)، مرتکب جرم می‌شوند نه به دلیل نیرومندی نیروهای سائق به ارتکاب آن دست می‌زنند. (ولد و دیگران، ۱۳۸۰)

این دسته تبیین‌ها بر خلاف تبیین‌های دیگر، تمایلی به یافتن انگیزه و علل رفتار کجروانه ندارند و عمدتاً به موقعیتی توجه دارند که در آن افراد برای انجام این نوع رفتار آزادی بیشتری کسب می‌نمایند. پس این تبیین، وقوع کجروی را برحسب وجود ضعف در فرآیند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تعیین می‌کنند. در نگاه کلی این دسته تبیین‌ها بر ارتباط بین میزان کنترل اجتماعی اعم از داخلی یا خارجی با رفتار کجروانه می‌پردازند. (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰، ۵۰۰)

هیرشی، رکلس، فرایدی و هیگ به‌عنوان پیشگامان نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نظریات دورکیم بخصوص با الهام از تئوری آنومی وی به ابداع و بسط این تئوری پرداخته‌اند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۸۹)

نظریه‌ای که دورکیم اعلام می‌دارد هرچه در یک جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن با ارزش‌ها و هنجارهای آن هم‌نوا می‌شوند ولی در جامعه‌ای که همبستگی‌های میان اعضای آن ضعیف باشد احتمال بیشتری دارد که مردم آن منحرف شوند، نظریه نوین کنترل بر این چنین نگرشی تبعیت می‌کند.

تراویس هیرشی<sup>۱</sup> معتقد است اجزا تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد ذیل است:

- ۱- ارتباط با سایر افراد
  - ۲- پذیرش مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد.
  - ۳- اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن.
- او وابستگی به جامعه را دارای چهار عنصر علاقه، تعهد، مشغولیت و ایمان و عقیده می‌داند.
- ۱- دل‌بستگی یا تعلق خاطر یا علاقه<sup>۱</sup>: این متغیر بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص

دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. از دید هیرشی افرادی که به دیگران علاقه دارند و به احساسات آنها توجه می‌شود و ارتباطات آنها گسترده‌تر است کمتر احتمال دارد که به سوی کجروی کشیده شوند، نسبت به افرادی که چنین احساس تعلق خاطر و وابستگی ندارند. کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند رفاه و احساسات این‌گونه مردمان را در نظر می‌گیرند و لذا مایلند با مسؤولیت عمل کنند.

۲- تعهد<sup>۲</sup>: یا دینی که مردم نسبت به جامعه دارند: متغیر تعهد بیانگر میزان پذیرش هدف‌های موسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بردوش خود احساس می‌کند. به عبارتی دیگر، هر قدر فرد در محیط‌هایی مانند تحصیل، اشتغال، خانه و مانند آن نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند و در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری کند دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود با دیگران هم‌نوا بماند. در مقابل کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کمتری را در ارتکاب به جرم می‌بینند و همچنین فرصتی به منظور کسب سود از ارتکاب به جرم می‌یابند.

۳- مشارکت، مشغولیت و گرفتاری<sup>۳</sup>: یا مشارکت مداوم در فعالیت‌های اجتماعی است. به نظر هیرشی کسانی که گرفتارکار و زندگی خانوادگی هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن به رفتارهای کجروانه دارند. کسانی که در فعالیت‌های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند.

۴- باور یا ایمان<sup>۴</sup>: متغیر باور بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور امر نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی به آنهاست. کسانی که اعتقاد و وفاداری نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن داشته و بیشتر به کجروی مبادرت ورزند. از نظر هیرشی بزهکاری نوجوانانی که به خانواده، محل تحصیل، محل کار، دوستان خود بستگی دارند به مراتب کمتر از کسانی است

- 
- 1.Attachment
  - 2.Commitment
  - 3.Involvement
  - 4.Belief

که دل‌بستگی کمتری دارند. (رابرتسون، ۱۳۷۷، ۱۷۶)

گرشام سایکس و دیوید ماتزا در تحقیقات خویش به شکلی همگام با نظریه‌های کنترل، بر نقش فشارهای عاطفی و ارزشی جامعه بر کجروان، به‌عنوان یکی از متغیرهای بازدارنده جرم و کجروی تأکید می‌ورزند. اما به تصریح بعضی از محققان، باتوجه به تأکید آنها به نکته‌های خاص، الگوی تبیینی خود را در زمره‌ی تبیین‌های یادگیری اجتماعی قرار دادند. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ۵۱۶)

ماتزا هم عقیده با دیگر دانشمندان اجتماعی رفتار کجروی را ناشی از هرگونه رفتار دیگر آموختنی می‌داند و معتقد است که از طریق کنش و واکنش‌های اجتماعی آموخته می‌شود. این مطلب در نظریه سترلند هم وجود دارد که معتقدات رفتار بزهکارانه شامل یادگیری روش‌های جرم و انگیزه توجیه رفتار از طریق خرده فرهنگ بزهکاری است، اما این که چه چیزی آموخته می‌شود در نظریه‌ی او کمتر دیده می‌شود. (سناخت، ۱۳۷۹، ۸۶)

نکات تمایز بزهکاری جوانان از بزرگسالان: (با توجه با نظریات ماتزا)

۱- به نظر ماتزا اکثر بزهکاران جوان بعد دستگیری از عمل بزهکارانه خود احساس گناه و خطا می‌کنند و این درحالی است که اگر افراد یاد شده این احساس را داشتند که با نظامی پایدار و متشکل از ارزش‌ها و قواعد مواجهند، هیچ‌گاه این‌گونه تعابیر را بکار نمی‌بردند. به نظر او بهتر آن است که ما جوان بزهکار را چون مینیاتور مجرم بزرگسال ننگریم. (۱۹۸۲)

۲- مشاهدات ماتزا نشان می‌دهد که بزهکاران جوان برای افراد مطیع قوانین جامعه احترام قایل‌اند. کسانی که واقعاً پاک و شریف هستند را تقدیس می‌کنند و اگر به هر یک از این افراد، به دلیلی، اتهام ناروایی وارد آید، در مقام دفاع بر می‌آیند (افراد) مانند قهرمانان عرصه‌های مختلف ورزشی، کشیش‌ها، دیگر قشرهای روحانی، والدین، معلمان و .... را سایکس و ماتزا از این جمله به حساب می‌آورند)

بنابراین اگر ارزش‌های مورد قبول جوان ارزش‌ها و هنجارهایی است که ضدجامعه است باید به این نکته توجه کنیم که پیوستگی او با آنها از نوع بخصوصی است، زیرا در بسیاری از موارد دوستی نظام هنجارهای متعارف جامعه را می‌پذیرد.

۳- شواهد دیگری در دست است که نشان می‌دهد جوانان بزهکار مابین کسانی که قربانی

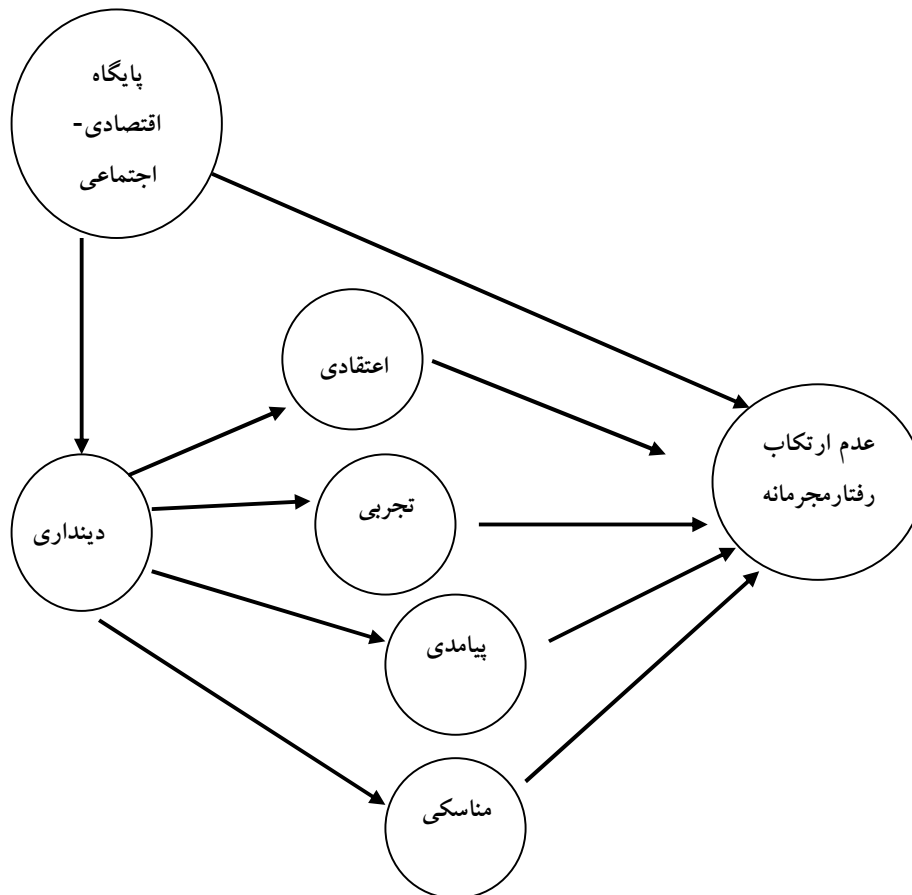
خوبی هستند و کسانی که نیستند تفاوت قایل است. برای این جوانان برخی آدم‌ها شکار خوبی برای تهاجم محسوب نمی‌شوند، درحالی‌که عده‌ای دیگر ممکن است بارها مورد حمله قرار گیرند. احتمال وقوع حمله به احتمال زیاد به فاصله‌ی اجتماعی جوان با قربانی مربوط می‌شود، همین‌که جوان کسانی را تفکیک می‌کند و می‌گوید از دوستان چیزی نذرید یا وقتی می‌گوید به اموال همسایه یا هم‌محل ما تعرض نکنید، این تفکیک‌ها نشان می‌دهد که جوان نادرستی فعل خود را می‌شناسد و وجود برخی فضایل در او غیرقابل تردید است. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ۵۱۶ و سخاوت، ۱۳۷۹، ۸۷)

چون همانند هم‌نویان، پیوسته خود را نیازمند به مشارکت در گونه‌هایی خاص از رفتارهای مبتنی بر هم‌نویایی (مانند تحصیل، رفتن به کلیسا) [در جامعه ما رفتن به مساجد و تکایا و...] و رفت و آمدهای خانوادگی) می‌بینند. (سیگل به نقل از سلیمی، ۱۹۹۸، ۲۰۵)

#### مدل نظری تحقیق:

نظریه به‌عنوان سازمان نظامند مفهومی با نظریه مدل‌ها ارتباط نزدیکی دارد. اغلب سعی بر آن است که سازمان مفهومی به شکل مدل نمایش داده شود. در علوم اجتماعی، مدل معمولاً شامل نمادهاست یعنی ویژگی‌های بعضی از پدیده‌های تجربی شامل اجزا و روابط بین آنها را به شکل منطقی بین مفاهیم نشان می‌دهد. بنابراین مدل را به شکل رسمی‌تر به‌عنوان انتزاعی از واقعیت تعریف کنیم که مقصود ما برای نظم بخشی و ساده‌سازی دید ما از واقعیت را برآورده می‌کند، درحالی‌که هنوز ویژگی‌های ضروری خود را حفظ می‌کند. بنابراین، مدل نمایشی از واقعیت است و برخی از جنبه‌های واقعی مربوط به مسأله تحت بررسی را نمایش می‌دهد، روابط بین این جنبه‌ها را روشن می‌سازد. (نچمیاس، ۱۳۸۱، ۶۶-۶۵)

مدل نظری این تحقیق که براساس چارچوب تئوری تحقیق می‌باشد مفهوم دینداری را با توجه به نظریه گلاک و استارک به چهار بعد تقسیم کرده است و مدل تحلیل در این تحقیق دارای سه مؤلفه یعنی ابعاد دینداری، مؤلفه دوم پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد جامعه و نهایتاً مؤلفه سوم ارتباط این دو بر میزان بزهکاری افراد می‌باشد.



#### فرضیات تحقیق:

۱- به نظر می‌رسد که بین میزان اعتقادات دینی با میزان بزهکاری جوانان رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچه قدر میزان اعتقادات مذهبی و دینی جوانان بالاتر باشد، از میزان گرایش به رفتار مجرمانه آنها کاسته می‌شود.

۲- به نظر می‌رسد که بین انجام مناسک مذهبی و میزان بزهکاری جوانان رابطه معکوس

وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر اعمال و مناسک و عملکردهای مذهبی جوانان بیشتر باشد، میزان گرایش به رفتار مجرمانه آنان کمتر می‌شود.

۳- به نظر می‌رسد که بین تجربیات زندگی معنوی جوانان و میزان بزهکاری آنان رابطه معکوس وجود داشته باشد. یعنی، هرچقدر جوانان زندگی معنوی بیشتری را تجربه کنند، از میزان گرایش آنان به بزهکاری و رفتار مجرمانه کاسته می‌شود.

۴- به نظر می‌رسد که آثاردینی شامل پیامدهای باور عمل براساس اعتقادات، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره جوانان و میزان بزهکاری آنان رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچقدر پیامدهای دینی در زندگی روزمره جوانان بیشتر باشد، گرایش به بزهکاری در آنها کمتر می‌شود.

۵- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی جوانان در میزان دینداری و به دنبال آن در میزان گرایش به بزهکاری رابطه معکوس دارد. یعنی افراد با پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا یا پایین در پایبندی به دین (باتوجه ابعاد چهارگانه فوق)، تأثیر دارد و این دو در کاهش میزان بزهکاری و گرایش به رفتار مجرمانه مؤثرند.

### روش تحقیق:

نوع روشی که در این تحقیق بکار رفته است روش پیمایشی می‌باشد. دلیل این‌که این شیوه پژوهش به کار برده شده است این است که شیوه‌های مشاهده‌ای جمع‌آوری داده‌ها، برای بررسی و مطالعه پدیده‌هایی که پژوهشگران قادر هستند مستقیماً مشاهده کنند، خوب و مناسب هستند، اما همه پدیده‌ها قابل مشاهده نیستند. بنابراین در بیشتر مواقع پژوهشگر می‌بایست داده‌ها را جمع‌آوری کند و این کار را مجبور است از طریق پرسش از کسانی انجام دهد که پدیده خاصی را تجربه و امتحان کرده‌اند تا تجربیات خویش را بازسازی کنند. پژوهشگر باید با مد نظر قرار دادن محدودیت‌های بودجه و دسترسی داشتن به کارکنان مناسب شیوه پیمایش را تعیین کند به طوری که با این شیوه بتوان کاملترین پاسخ‌ها را از گروه نمونه که گمان می‌رود پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند، کسب کرد. پاسخ‌ها داده‌هایی را فراهم می‌کنند که براساس آنها فرضیات پژوهش مورد آزمایش و بررسی قرار می‌گیرند. (نجمی‌اس، ۱۳۸۱، ۳۲۲) همچنین روش پیمایشی یکی از مهمترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در علوم اجتماعی است و به صورت گسترده‌ای

برای جمع‌آوری اطلاعات بسیاری از موضوعات پژوهشی استفاده می‌شود. (همان، ۳۴۹)

### جامعه آماری:

جامعه آماری در این تحقیق از بین دو گروه از جوانان بزهکار و غیربزهکار می‌باشد. تعداد افراد بزهکار (مردان) حدوداً ۵۰ نفر می‌باشد، که به دلیل حجم کم جامعه آماری و نمونه، همچنین مشکلات و موانع ناشی از تحقیقات در داخل زندان‌ها و زندانیان، از زندانیان شهر قائم‌شهر هم استفاده شده‌است. در این تحقیق نوع جرم مطرح نیست بلکه میزان گرایش به جرم اهمیت دارد، چه افراد بزهکار باشند چه غیربزهکار. در جامعه آماری افراد عادی جامعه براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ در شهر بابل، تعداد جوانان (مردان) ۲۰-۳۰ سال ۲۸۰۰۰ نفر می‌باشد و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری تعداد افراد نمونه مشخص می‌گردد. جامعه‌ی آماری برای افراد غیربزهکار در این تحقیق برای کلیه جوانان (مردان) ساکن در شهر بابل بین سنین ۲۰ الی ۳۰ سال تشکیل می‌دهد که طبق آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۲۸۰۰۰ نفر است، از این تعداد با استفاده از قواعد تعیین حجم نمونه حدود ۳۲۱ نفر بعنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند.

آزمون‌ها و تحلیل‌های آماری مورد استفاده در این تحقیق می‌توان از آزمون **T-test**، تحلیل رگرسیون، تحلیل مسیر ذکر کرد. همچنین از آمار توصیفی، برای توصیف برخی از داده‌ها همراه با جداول مربوط به آن استفاده خواهد شد.

روایی بدست آمده در این تحقیق به ترتیب ذیل می‌باشد:

بعد اعتقادی دینداری در بین افراد غیر مجرم : Alpha = .7299

بعد تجربی دینداری // // Alpha = .6555

بعد پیامدی دینداری // // Alpha = .8291

بعد مناسکی دینداری // // Alpha = .8410

سؤالات مربوط به بزهکاری در دو بخش تقسیم شده است، دلیل آن نوع جواب‌هایی که برای آنها در نظر گرفته شده است، می‌باشد:

بزهکاری ۱ : Alpha = .7126

بزهکاری ۲ : Alpha = .7882

پایگاه اقتصادی - اجتماعی (درآمد، شغل، تحصیلات): Alpha = .6194

تحلیل نتایج حاصل از تست مدل نظری:

در این بررسی میزان تأثیر متغیر مستقل ما یعنی چهار بعدی دینداری (اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی) در متغیر وابسته ما یعنی رفتار مجرمانه سنجیده شده است و همچنین مقایسه‌ای بین افراد عادی (غیر مجرم) و افراد مجرم صورت گرفته است که اکنون به تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده می‌پردازیم.

بر اساس مشاهدات تجربی بدست آمده در گروه جوانان غیر مجرم متغیر مناسکی در چارچوب کاهش رفتار مجرمانه بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد و بیشترین میزان واریانس را تبیین می‌کند. تنها این بعد می‌باشد که بر متغیر وابسته یعنی کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه تأثیر مستقیم داشته است (۰/۳۹-) و بقیه متغیرهای تحقیق یعنی ابعاد اعتقادی و پیامدی و تجربی تأثیر غیر مستقیمی بر میزان ارتکاب رفتار مجرمانه داشته‌اند. میزان تأثیر غیر مستقیم بعد اعتقادی دینداری از طریق بعد مناسکی بر رفتار مجرمانه ۰/۱۴-، بعد تجربی دینداری میزان تأثیر غیر مستقیم آن بر رفتار مجرمانه از طریق بعد مناسکی ۰/۲۵- و اثر غیر مستقیم بعد پیامدی دینداری بر رفتار مجرمانه از طریق بعد مناسکی ۰/۵- می‌باشد.

همچنین ضریب همبستگی چند متغیره در این گروه  $R=0/51$  می‌باشد و ضریب تعیین بدست آمده  $R_2=0/26$  می‌باشد.

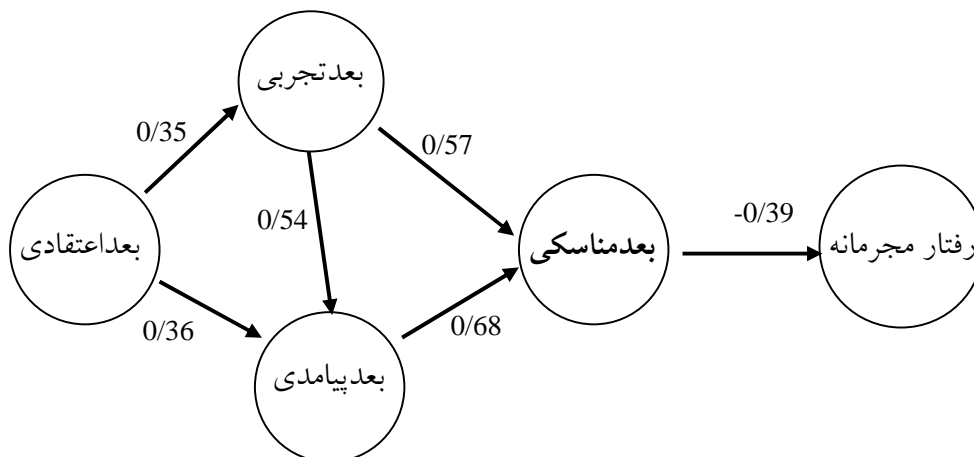
یعنی تنها ۲۶ درصد از تغییرات مربوط به رفتار مجرمانه (متغیر وابسته) بوسیله متغیرهای مستقل چهارگانه در تحقیق حاضر می‌باشد و بقیه تغییرات مربوط به متغیرهایی است که در این بررسی در نظر گرفته نشده است در جدول شماره ۲۶- ۴ همچنین میزان همبستگی بین متغیرهای پنج‌گانه و سطح معنی‌داری آنها را نشان می‌دهد.

همانگونه که ضریب همبستگی پیرسون و نیز سطح معنی‌داری بین متغیرهای مزبور نشان می‌دهد، همه متغیرها با هم دارای همبستگی بوده و این همبستگی از سطح معنی‌داری قابل قبول ( $a < 0/05$ ) برخوردار است.

دیاگرام تحلیل مسیر حاکی از آن است که در بین متغیرها تنها بعد مناسکی دینداری می‌باشد



که در کاهش رفتار مجرمانه بی واسطه تأثیر دارند و متغیرهای بعد اعتقادی، بعد تجربی و بعد پیامدی دینداری به صورت غیر مستقیم بر عدم ارتکاب رفتار مجرمانه تأثیر می گذارند.



در بین افراد مجرم نیز مشاهدات تجربی نشان دهنده آن است که دو متغیر مستقل پیامد دینی و مناسک دینی اثر مستقیم بر متغیر وابسته تحقیق یعنی رفتار مجرمانه دارند و بقیه متغیرها یعنی بعد اعتقادی و تجربی دینداری تأثیر غیرمستقیمی بر رفتار مجرمانه دارند. مقادیر بدست آمده از جدول به شرح ذیل می باشد:

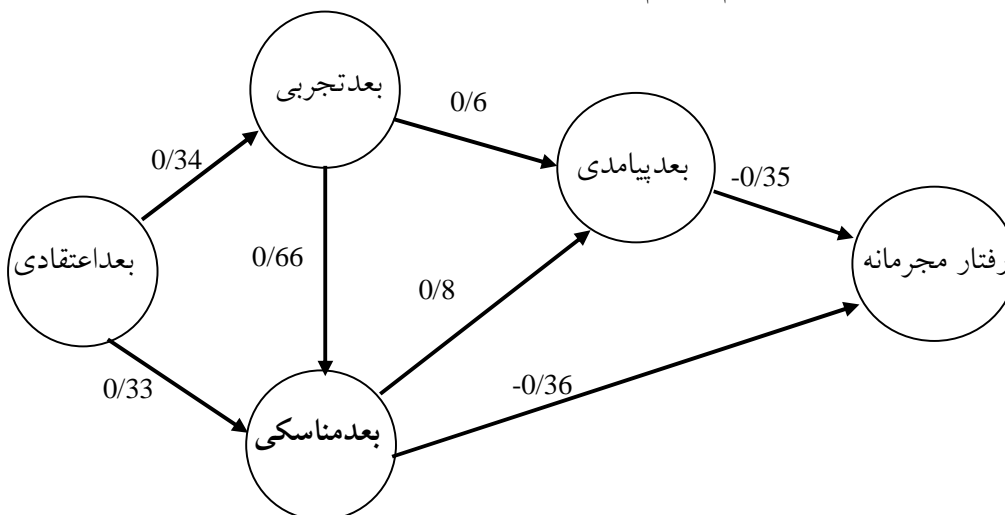
میزان تأثیر مستقیم بعد پیامدی دینداری بر رفتار مجرمانه  $0/35$  - می باشد و این مقدار در بعد مناسکی دینداری  $0/36$  - می باشد. بقیه متغیرهای مستقل تحقیق شامل بعد اعتقادی  $0/06$  - درصد (که در سطح اطمینان ۵ درصد معنی دار نمی باشد) و بعد تجربی دینداری  $0/64$  - درصد از طریق بعد مناسکی تأثیر غیرمستقیم بر عدم ارتکاب رفتار مجرمانه داشته است.

ضریب همبستگی چندمتغیره در بین افراد مجرم  $R=0/36$  و ضریب تعیین  $R^2=0/4$  می باشد که این میزان در مقایسه با افراد غیر مجرم درصد بالاتری قرار دارد.

و در نهایت این که در بین افراد مجرم نیز بین تمام ابعاد دینداری و رفتار مجرمانه به عبارت دیگر بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی (پیرسون) معنی داری وجود دارد.

دیاگرام تحلیل مسیر نشان می دهد، متغیرهای بعد پیامدی دینداری و بعد مناسکی دینداری بر کاهش رفتار مجرمانه تأثیر دارند. همچنین دو متغیر بعد تجربی دینداری و بعد اعتقادی

دینداری به‌طور غیرمستقیم بر عدم گرایش رفتار مجرمانه تأثیر دارند.



#### نتیجه‌گیری و استنتاج کلی از یافته‌ها:

باتوجه به این‌که تاکنون هیچ نظریه کاملی در ارتباط با دینداری و ارتباط آن میزان بزهکاری مطرح نشده است، از این‌رو سعی گردید باتوجه به گستردگی ابعاد دینداری، در فصل دوم چشم اندازه‌ها و نظریه‌های متنوعی پردازیم، زیرا هیچ یک از چشم اندازه‌های نظری موجود به تنهایی چارچوب مناسبی را برای تبیین ابعاد دینداری و بزهکاری در اختیار محقق قرار نمی‌دهد. از آنجایی که دینداری و میزان گرایش به جرم پدیده‌های پیچیده‌ای هستند و یک نظریه و یا الگو نمی‌تواند تبیین جامعی داشته باشد بنابراین نیازمند اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی برای تبیین موضوع پژوهش حاضر هستیم. دیگر این‌که تنها حیثیتی از نظریه‌ها مطمع نظر قرار گرفته است که به نحوی با حدود و ثغور تحقیق حاضر ارتباط مفهومی یا منطقی داشته است. بدین ترتیب نظریه‌ها و رویکردهای مطرح شده منظومه‌ای از متغیرها و عواملی را که در تبیین میزان دینداری و رفتار مجرمانه به کار می‌آیند، در اختیار محقق می‌گذارد.

نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان دینداری افراد و گرایش به جرم رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد این درحالی‌است که پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد تأثیر ضعیفی در میزان دینداری افراد دارد. در اینجا ابتدا به بررسی یافته تحقیقی اول می‌پردازیم.

در پژوهش حاضر از دلالت‌های نظری دورکیم، وبر، گلاک و استارک و همچنین نظریات بی‌سازمانی مرتن و آنومی دورکیم، برچسب زنی... برای تبیین میزان دینداری و از طرف دیگر بزهکاری بهره‌گرفته شده است. نظریه پردازانی نظیر دورکیم، وبر، استارک و گلاک هرکدام به طریقی به نقش مثبت دینداری در زندگی افراد معتقد بودند و به نوعی این نظریات را می‌توان با میزان گرایش به جرم افراد ربط داد. به عنوان مثال نظریه دورکیم که تشریفات مذهبی را به عنوان عامل انسجام گروه و تقویت وجدان جمعی افراد ذکر می‌کند خود می‌تواند در کاهش بزهکاری و ارتکاب جرم افراد مؤثر باشد و یا نظریه وبر که بیشتر به جنبه مثبت دین در پیشرفت اقتصادی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد تأکید دارد که در این تحقیق نیز اشاره‌ای به این موضوع شده و در فرضیه اصلی تحقیق نیز آورده شده است.

مهمترین نظریه دینداری که در این تحقیق استفاده شده است همان نظریات گلاک و استارک می‌باشد که آنها با عملیاتی کردن متغیر دینداری و تقسیم آن بر چند بعد نقش مؤثری را برای سنجش میزان دینداری افراد داشته‌اند. براساس چهار بعد از بین پنج بعد دینداری که توسط گلاک و استارک مطرح شد براساس مشاهدات تجربی به دست آمده در گروه جوانان غیر مجرم متغیر مناسبی در چارچوب کاهش رفتار مجرمانه بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد و بیشترین میزان واریانس را تبیین می‌کند، تنها این بعد می‌باشد.

که بر متغیر وابسته یعنی کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه تأثیر مستقیم داشته است (۰/۳۹-) و بقیه متغیرهای تحقیق یعنی ابعاد اعتقادی و پیامدی و تجربی تأثیر غیرمستقیمی بر میزان ارتکاب رفتار مجرمانه داشته‌اند. در بین افراد مجرم نیز مشاهدات تجربی نشان دهنده آن است که دو متغیر مستقل پیامد دینی (۰/۳۵-) و مناسب دینی (۰/۳۶-) اثر مستقیم بر متغیر وابسته تحقیق یعنی رفتار مجرمانه دارند و بقیه متغیرها یعنی بعد اعتقادی و تجربی دینداری تأثیر غیرمستقیمی بر رفتار مجرمانه دارند.

### پیشنهادات:

یکی از عوامل اساسی در از بین بردن یا کاهش آسیب‌های اجتماعی مثل ارتکاب به جرم با توجه به پیچیدگی روز افزون جوامع امروز می‌تواند عامل پیشگیری کننده از جرم باشد. به طور

قراردادی، در علوم اجتماعی گرایش‌ها و تمایلات نظری و تجربی زیادی نسبت به مطالعه علل زیربنایی پیشگیری از وقوع جرم وجود دارد، تا از این طریق، به درک و توضیح اشکال پیشگیری از وقوع جرم و کنترل آن پرداخته شود. درمقایسه با مطالعه امر تنبیه، پیشگیری از وقوع جرم امری است که کمتر مورد توجه و علاقه فیلسوفان، مورخان و جامعه‌شناسان قرار می‌گیرد. دینداری و تفکر دینی به‌عنوان عاملی برای پیشگیری از جرم می‌تواند بخش مهمی از اجرا کنترل جرم معرفی شود. به‌منظور پیشگیری و کاهش مسأله جرم، کاربرد اصول و روش‌های در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کوتاه‌مدت و درازمدت در زمینه‌های دینی، خانوادگی و اجتماعی برای توفیق در کاهش و ازبین‌بردن این مسأله اجتماعی که خود ناشی از عوامل دیگری چون فقر آموزشی و فرهنگی، فقر اقتصادی و شغل، فشارهای اجتماعی و اقتصادی متأثر است، پیشنهادها و راه‌حلهایی مبتنی بر اصول علمی منتج از یافته‌های تحقیق به صورت ذیل توصیه می‌شود:

۱- یکی از راهکارهای پیشگیرانه دینداری برای ممانعت از رفتار مجرمانه معرفی عاملی جرم‌زا باعنوان شیطان و باموضوع زندگی پس‌ازمرگ و مراحل آن وجود معاد، قیامت و حضور در روز جزاست. زمان و مکانی که به اعمال نیک، پاداش داده می‌شود و اعمال بد، عقاب می‌شود. ازجمله نکات با اهمیت دراین خصوص، این است که، ضمن توصیه به انجام کارهای نیک و تبیین ثمرات آن، کسانی که عمل‌های نیک را انجام می‌دهند، علاوه برآن که از ثمرات آن بهره‌مند می‌گردند، با انجام دادن کارهای نیک، به آنها پاداش نیز داده می‌شود.

۲- چون تعداد چشمگیری از مجرمان اظهار داشتند که در خانواده ازصمیمیت کمتری برخوردار هستند توصیه می‌شود که مسئولین و رسانه‌ها با اجرای برنامه‌هایی والدین را از عواقب نامطلوب این مسأله روانی- اجتماعی آگاه نمایند و این جوانان را نسبت به ضرورت عمل به دستورات دینی برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و داشتن روابط انسانی و عاطفی نسبت به یکدیگر و سایر اعضای خانواده آگاه و تشویق نمایند.

۴- تحقیق نشان داده است که افراد با ایمان و معتقد به اصول مذهب و دین در جامعه، رفتار انسانی و اخلاقی دارند، بنابراین باید با اشاعه فرهنگ و معارف متعالی مذهبی، به‌ویژه در زمینه داشتن رفتار انسانی - اخلاقی باهم‌دیگر به تقویت ایمان و اعتقاد مردم در این زمینه پرداخت.

۵- برای اجرای برنامه ریزی‌های اجتماعی درست و گرفتن تصمیمات معقول بر مبنای یافته‌های پژوهش‌های علمی، مسئولین اجرایی نیاز به شناخت علل و عوامل اساسی مسائل اجتماعی دارند، بنابراین وجود مؤسسات و مراکز تحقیقاتی علمی مخصوصاً در شهرستانها مثل شهرستان بابل، برای شناخت آن عوامل و پیشگیری و درمان مسائل اجتماعی، برای جامعه ضرورت حیاتی دارند، تا به‌طور مداوم با توجه به شرایط متغیر اجتماعی- اقتصادی، در همه زمینه‌های روانی- اجتماعی به‌طور مداوم به مطالعه و تحقیق پردازند و یافته‌ها و پیشنهادهای ناشی از تحقیقات علمی را چراغ راه مسئولین اجرایی و برنامه‌ریزی قرار دهند.

#### فهرست منابع فارسی:

۱. آرون، ریمون، ۱۳۸۲، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
۲. آگ برن و نیم کف، ۱۳۸۰، زمینه جامعه شناسی، اقتباس ا.ح. آریان پور، تهران، نشر گسترده، چاپ سیزدهم.
۳. احمدی، حبیب ا.، ۱۳۷۷، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر، چاپ اول.
۴. اسکیدمور، ویلیام، ۱۳۷۲، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمدحاضری و دیگران، تهران، نشر سفیر.
۵. الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، دین پژوهی، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
۶. توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۰، جامعه شناسی دینی، تهران، نشر سخن.
۷. توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۳، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۸. دورکیم، امیل، ۱۳۸۳، قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. دورکیم، امیل، ۱۳۶۹، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، بابل، ناشر کتابسرای بابل.
۱۰. رابرتسون، یان، ۱۳۷۷، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.

۱۱. راب وایت و فیونا هنس، ۱۳۸۲، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میر روح... صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر.
۱۲. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، انتشارات سروش.
۱۳. سخاوت، جعفر، ۱۳۷۹، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات پیام نور، چاپ پنجم.
۱۴. سراج زاده، سیدحسین، ۱۳۸۳، چالش‌های دین و مدرنیته، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
۱۵. سلیمی، علی و محمدداوری، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی کجروی، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۶. شریعتی، سارا، ۱۳۸۳، احساس مذهبی در عصر حاضر (متن سخنرانی امیل دورکیم)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲.
۱۷. طالبان، محمد رضا، ۱۳۸۲، بزهکاری و نظریه کنترل (بررسی تجربی)، نمایه پژوهش شماره ۱۷.
۱۸. کینگ، ساموئل، ۱۳۵۵، جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، تهران، نشر سمیرغ.
۱۹. کیویستو، پیتر، ۱۳۷۸، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
۲۰. گلاک، چارلز و رادنی استارک، ۱۳۷۲، یک تعریف جامعه‌شناختی از دین، ترجمه حسین قاضیان، مجله کیان، شماره ۷.

#### فهرست منابع لاتین:

1. Burkett, S. R., & White, M. (1974). **Hellfire and delinquency: Another look.** *Journal for the Scientific Study of Religion*, 13, 455-462.
2. Cochran, J. K. (1988). **The effect of religiosity on secular and ascetic deviance,** *Sociological Focus*, 21, 293-306.
3. Evans, T. D., Cullen, F. T., Dunaway, R. G., & Burton, V. S. (1995). **Religion and crime reexamined: The impact of religion, secular controls, and social ecology on adult criminality.** *Criminology*, 33, 195-224.
4. Hirschi, T., & Stark, R. (1969). **Hellfire and delinquency.** *Social Problems*, 17, 202-213.
5. Johnson, B. R., Larson, D., Li, S. D., & Jang, S. J. (2000). **Escaping from the crime of inner cities: Church attendance and religious salience among disadvantaged youth.** *Justice Quarterly*, 17, 377-391.